

فهم مسئله ازدواج در دوران کودکی از نگاه کودک-زنان ازدواج کرده خراسانی^۱

عهديه اسدپور^۲، افسانه كمالي^۳، خديجه سفيري^۴

تاريخ دريافت: ۱۳۹۸/۹/۱۰ تاريخ پذيرش: ۱۳۹۹/۱/۸

چکیده

پژوهش حاضر در پی فهم مسئله ازدواج در دوران کودکی و علل و زمینه‌های آن از نگاه کودک-زنان ازدواج کرده است. برای رسیدن به هدف مذکور از روش تحلیل تماتیک استفاده شد. اطلاعات از میان کودک-زنان استان خراسان رضوی (شهرهای گناباد، بردسکن، تربت حیدریه و بجستان)، که در سنین کودکی ازدواج کرده بودند و هنوز هم زیر ۱۸ سال داشتند، جمع‌آوری شدند. در مجموع ۴۱ نفر مورد مصاحبه قرار گرفتند. در مرحله کدگذاری باز ۳۹ مفهوم به‌دست آمد که در قالب ۲۷ زیرمقوله فرعی و ۲۰ زیرمقوله اصلی دسته‌بندی شدند. نهایتاً زیرمقوله‌های اصلی تحقیق در قالب ۷ عنوان اصلی مقوله-بندی شدند تا تصویری کلان از وضعیت مفهومی ازدواج دختران در دوران کودکی به‌دست آید. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که زمینه‌های خانوادگی (خانواده ترمیمی، نابسامان، از هم گسیخته و غیره)، زمینه‌های اجتماعی (ارزش‌ها و نگرش‌های اجتماعی)، زمینه‌های فرهنگی، بافت مذهبی، ویژگی‌های فردی (خواستگار و کودک-دختر)، زمینه‌های اقتصادی و شرایط زیست محیطی از علل زمینه‌ساز برای ازدواج کودک-دختران به‌حساب می‌آیند.

واژگان کلیدی: ازدواج کودکان، کودک-زنان، خانواده، خراسان رضوی

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری سرکار خانم عهديه اسدپور از دانشگاه الزهرا (س) است.

۲. دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه الزهرا (س)، (نویسنده مسئول)؛ پست الکترونیکی: Ahdiehasadpour7503@gmail.com

۳. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه الزهرا (س)؛ پست الکترونیکی: afsane_kamali@yahoo.com

۴. استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه الزهرا (س)؛ پست الکترونیکی: kh.safiri@alzahra.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

ازدواج یکی از تغییرات مهم زندگی برای زنان و مردان محسوب می‌شود. فرایندی که آنها را برای ورود به دنیای بزرگسالی سوق می‌دهد. تغییری که با خود تغییرات دیگری را نیز در پی دارد که از اهم آنها تشکیل خانواده جدید یا اضافه شدن عضوی جدید به خانواده گسترده دیگری است. از آنجایی که ازدواج جنبه‌های مختلفی از زندگی زوجین را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، افراد باید در راستای تشکیل یک زندگی موفق و مستحکم عمل نمایند.

برای ازدواج موفق مجموعه‌ای از پیش‌نیازها از قبیل بلوغ فیزیکی^۱، بلوغ فکری^۲، بلوغ عاطفی^۳ و اجتماعی^۴ ضروری است که افراد پیش از ادواج باید از آنها برخوردار باشند^۵ (بلاد^۶، ۱۹۶۲: ۱۵۱). پیش-نیازهای مذکور برای ازدواج به شدت تحت تأثیر سن افراد در زمان ازدواج هستند. بدین معنا که افراد برای داشتن زندگی موفق و عاری از تنش، باید شرایط و پیش‌نیازهای موردنیاز برای این امر را دارا باشند. بر مبنای همین پیش‌نیازهاست که می‌توانیم از پدیده‌ای به نام «ازدواج کودکان»^۷ سخن بگوییم. براساس تعریف کنوانسیون حقوق کودکان، ازدواج کودکان یعنی ازدواج افرادی که قبل از رسیدن به سن ۱۸ سالگی ازدواج می‌کنند.

ازدواج کودکان سبقه‌ای طولانی در تاریخ بشر دارد. برای اثبات این مدعا می‌توان به کتاب‌های تاریخی (تاج السلطنه، ۱۳۶۱)^۸ رجوع کرد که به ثبت زندگی اجتماعی ایرانیان پرداخته و اطلاعات گران-بهایی از زندگی عامه مردم و جماعات در سفرنامه‌های خویش نگاشته‌اند. بنابراین، ازدواج کودکان به هیچ عنوان پدیده‌ای نوظهور نیست. اما چرا بعد از گذشت قرن‌ها که کودکان ازدواج را تجربه می‌کردند، امروز و در قرن بیست و یک، جامعه جهانی به‌طور کلی و جامعه ایرانی به‌طور خاص، به‌شدت مقابل این عمل ایستاده است؟ برای پاسخگویی بدین سؤال می‌توان به چند عامل اشاره کرد. یکی از آنها مورد توجه واقع-شدن کودک و کودکی است که بر مبنای آن کودکان متفاوت از بزرگسالان در نظر گرفته شده و به‌نوعی «کشف» شدند. کشف کودک و کودکی در جامعه‌شناسی نیز _هرچند دیر هنگام_ اما به زمان، به پیدایش حوزه‌ای جدید در جامعه‌شناسی به نام «جامعه‌شناسی دوران کودکی» در دهه‌های اخیر برمی‌گردد. درواقع،

1. Physical Maturity
2. Mental Maturity
3. Emotional Maturity
4. Social Maturity
5. Social Maturity
6. Blood
7. Child Marriage

۸. یکی از نمونه‌های کم‌نظیر در میان منابع تاریخی در باب زوج‌های ایرانی کم‌سال، گزارش ازدواج در سن کودکی، خاطرات تاج‌السلطنه (تاج السلطنه، ۱۳۶۱) است که ازدواج سلطنتی و فرمایشی‌اش منجر به رنج، سقط جنین و سرانجام طلاق شده است.

در مراحل توسعه و نظریه پردازی در حوزه کودکی، رویکردهای نوینی سربرآوردند که در آن، به کودکی نه به عنوان پدیده‌ای «در حال شدن» بلکه به مقام پدیده‌ای «در حال بودن» نگاه شد. در این نگاه، فرایندهای اجتماعی شدن به اشکال سنتی و اعمال نگرش بیولوژیک به رشد کودک، به شدت و به سرعت مورد نقد قرار گرفت. عامل دیگر به آشکار شدن ابعاد مختلف و تأثیرگذار ازدواج کودکان بر جامعه به طور کلی و بر کودکان ازدواج کرده به طور خاص برمی گردد.

با وجود اینکه ازدواج کودکان میان هر دو جنس، دختر و پسر، واقع می شود، باید گفت کودک-دختران قربانیان اصلی این پدیده به شمار می روند. چراکه از یک سو، میزان ازدواج در دوران کودکی در میان دختران بیشتر از پسران است. این ادعا براساس گزارشات آماری یونیسف قابل تأیید است. سازمان مذکور تعداد کل دختران و پسران ازدواج کرده قبل از سن ۱۸ سالگی به ترتیب برابر با ۷۲۰ و ۱۵۶ میلیون نفر در کل جهان اعلام کرده است (یونیسف، ۲۰۱۵). از سوی دیگر، هر دو جنس با خطرات و عواقب یکسانی روبرو نیستند. به عبارتی، پیامدهای حاصل از این نوع ازدواج‌ها برای جنس مؤنث به دلیل قابلیت باروری و احتمال زایمان زودرس و غیره ناگوارتر و سخت تر است. بر همین مبنا، این مطالعه در میان گروه کودک-زنان به انجام رسیده است.

تعداد کل کودک-دخترانی که درگیر مسائل برآمده از زندگی زناشویی می شوند برابر با ۱۲ میلیون نفر در سال است که برآوردها نشان می دهد تا سال ۲۰۳۰، ۱۲۰ میلیون نفر دیگر به این جمعیت اضافه می - شود (یونیسف، ۲۰۱۹). بالاین حال، آمارها نشان از کاهش ازدواج کودک-دختران نسبت به گذشته در سراسر جهان دارد (کوسکی^۱ و همکاران، ۲۰۱۷: ۸). جدول ذیل آمارهای مربوط به ازدواج کودک-دختران را به نمایش می گذارد.

جدول شماره ۱: درصد ازدواج دختران زیر ۱۵ سال و زیر ۱۸ سال

نام کشورها	سال		۲۰۱۵		۲۰۱۹	
	زیر ۱۵ سال	زیر ۱۸ سال	زیر ۱۵ سال	زیر ۱۸ سال	زیر ۱۵ سال	زیر ۱۸ سال
کل جهان	۸	۲۷	۵	۲۱		
کشورهای کمتر توسعه یافته	۱۵	۴۵	۱۲	۳۹		
جنوب صحرای آفریقا	۱۲	۴۰	۱۲	۴۰		
شرق میانه و شمال آفریقا	۳	۱۸	۴	۱۸		
جنوب آسیا	۱۷	۴۹	۸	۳۰		
کارائیب و آمریکای لاتین	۷	۲۹	۴	۲۵		
ایران	۳	۱۷	-	-		

(یونیسف، گزارش وضعیت کودکان جهان: ۲۰۱۵ و ۲۰۱۹)

براساس داده‌های جدول فوق، میزان ازدواج کودک-دختران سیر نزولی داشته است، اما این روند در تمامی نقاط کره زمین، با سرعت یکسانی پیش نمی‌رود و در برخی نقاط، سرعت این تغییرات بسیار کند است؛ به‌نحوی که هنوز بخش قابل توجهی از زنانی که در کشورهای جنوب صحرای آفریقا زندگی می‌کنند، قبل از سن ۱۸ سالگی ازدواج می‌کنند (لیود^۱، ۲۰۰۵).

در ایران، اما آمارهای دقیق و یک‌دستی از میزان ازدواج دختران در سن کودکی موجود نیست. نگاهی به آمار رسمی ثبت احوال کشور نشان می‌دهد که برحسب پراکندگی ازدواج کودک-دختران در استان‌های ایران در گروه سنی ۱۴-۱۰ سال، استان خراسان رضوی با ثبت بیش از ۶ هزار مورد ازدواج کودک در رتبه اول قرار دارد و استان‌های آذربایجان شرقی و خوزستان در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند (سازمان ثبت احوال کشور، ۱۳۹۵). از طرف دیگر، میزان ثبت طلاق زیر ۱۸ سال نیز در این استان رقم بالایی را به خود اختصاص داده است. به همین دلیل استان خراسان رضوی جامعه مورد مطالعه این پژوهش در نظر گرفته شده است تا علل و زمینه‌های وقوع این پدیده از نگاه کودک-زنان ازدواج‌کرده مورد شناسایی و تحلیل قرار گیرد؛ یعنی کسانی که ازدواج در دوران کودکی را تجربه کرده‌اند و هنوز هم در دوران کودکی به‌سر می‌برند. چراکه با شناخت علل وقوع پدیده‌ها و مسائل اجتماعی همچون ازدواج در دوران کودکی، می‌توان قدمی در راستای رفع و حل آنها برداشت و در نتیجه، از وقوع کودک-مطلقگی نیز پیشگیری کرد.

ملاحظات مفهومی - تجربی

ازدواج واقع‌ای اجتماعی، زیستی و فرهنگی است که به دلیل نقش بنیادین آن در تشکیل خانواده، می‌بایست در سن مناسبی، به‌عبارت دقیق‌تر، «بهنگام» به وقوع بپیوندد. با این حال، همان‌گونه که داده‌های آماری در مباحث پیشین نشان دادند، در عالم واقع، ما با ازدواج‌های «زودهنگام» مواجه هستیم. منظور ما از ازدواج‌های «زودهنگام» در این مطالعه، ازدواج‌هایی است که در سنین کودکی قبل از رسیدن به سن ۱۸ سالگی صورت می‌پذیرند. با نگاهی به مطالعات انجام شده در زمینه ازدواج کودکان، درمی‌یابیم که محققان تلاش نموده‌اند تا علل و زمینه‌های بستر ساز ازدواج کودکان را نمایان سازند. نتایج مطالعات متعدد نشان داده است که شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، مذهبی و تاریخی کودک-دختران را در ریسک ازدواج زودهنگام قرار می‌دهد (والکر^۲، ۲۰۱۲: ۲۳۱). یکی از دلایل اصلی ازدواج زودهنگام، که حجم زیادی از تحقیقات خارجی نیز بدان اشاره داشتند، «فقر اقتصادی» است. شورای بین‌المللی پژوهش درباره زنان^۳ در سال ۲۰۱۰ اعلام نمود که ازدواج کودکان در مناطق و کشورهایی از جهان رایج است که فقیر هستند و حتی بدون اینکه سطح

1. Lloyd

2. Walker

3. ICRW: International Council for Research on Women

اقتصادی کشورها در سطح کلان را مدنظر قرار دهیم، در مناطقی متمرکز است که خانواده‌های فقیر در آن سکونت دارند. چراکه وقتی دختران زود ازدواج می‌کنند، پدر و مادرها از مسئولیت اقتصادی در قبال آنها رها می‌شوند و گاهی اوقات نیز منافع اقتصادی در قالب «دریافت هدیه» نصیبشان می‌گردد (ماتور^۱ و همکاران، ۲۰۰۳: ۱۳۵). پائول (۲۰۱۹) نیز در مطالعه‌ای با عنوان «تأثیر ازدواج و فقر بر شیوع ازدواج‌های زودهنگام: تحلیلی در سطح منطقه‌ای در هندوستان بر اثرگذاری فقر خانواده‌ها بر پیش‌روی ازدواج دختران هندی تأکید کرد. نتایج تحقیقات هاتچکیس^۲ و همکاران (۲۰۱۶) حسین و همکاران (۲۰۱۶: ۵۳۴) نیز در همین راستاست. دلیل دیگر ازدواج کودکان را باید در اهمیت باکرگی دختر جستجو کرد. به عبارتی، اگر دختران پاکی جنسی خود را از دست دهند، شهرت و آبروی خود و خانواده خود را در معرض خطر قرار خواهند داد (ماتور و همکاران، ۲۰۰۳: ۲۵۱؛ اوپنهایم^۳، ۱۹۸۸: ۵۶۵). علاوه بر این، هزینه‌های ازدواج که معمولاً خود را در جهیزیه و هزینه‌های تشکیل زندگی نشان می‌دهد نیز در زمان و سن ازدواج اثرگذار است. مطالعه منج^۴ و همکاران نشان داده است که در دو کشور هند و بنگلادش، که جهیزیه را خانواده عروس تأمین می‌کند، و هرچه سن دختر بیشتر باشد، باید جهیزیه سنگین‌تری فراهم شود، بنابراین بسیاری از خانواده‌ها، خصوصاً خانواده‌های کم‌درآمدتر، سعی می‌کنند دخترانشان را تا قبل از ۲۰ سالگی، شوهر دهند (۲۰۰۵: ۱۲۷). علاوه بر این، اعتیاد والدین و وجود والد ناتنی نیز در گرایش به ازدواج زودهنگام نقش ایفا می‌کنند (هاوکینز^۵ و همکاران، ۱۹۹۲: ۶۴). گاهی نیز نگرش‌های مردم بر ازدواج‌های زودهنگام اثرگذار است (ارولکار^۶، ۲۰۱۴: ۲۳). شفیت و همکاران با مطالعه نگرش‌های مردم روستایی تانزانیا در باب ازدواج زودهنگام، نشان داده‌اند که ازدواج به عنوان ابزاری برای دستیابی به موقعیت و پایگاه اجتماعی تلقی می‌شود. در پاسخ به اینکه چرا یک نفر ازدواج می‌کند؟ پاسخ نشان از درک از ازدواج به عنوان قانون طبیعی^۷، قانون خدا^۸ و قانون سوکوما^۹ بوده است. نویسندگان نشان داده‌اند که نگرانی‌های اخلاقی، رشد جسمی و اثر بلوغ برای تغییرات بدنی، مشکلات خانوادگی و نیاز به نیروی کار برای کمک به مادرشوهر در خانه، فقر خانواده و ازدواج زودهنگام خواهر و برادر بزرگتر می‌تواند بر ازدواج زودهنگام اثرگذار باشد. از طرفی، فرد می‌تواند درجه بالایی از استقلال را در طول روند ازدواج تجربه کند (۲۰۱۹: ۱۰۵-۹۳).

1. Mathur
2. Hotchties
3. Oppenheimer
4. Mensch
5. Hawkins
6. Auradkar
7. natural law
8. God's law
9. Sukuma law

همچنین جنسن^۱ و ترونتن^۲ (۲۰۰۳: ۱۵) بر این باورند که در کشورهای در حال توسعه، کمبود گزینه-های قابل انتخاب برای دختران برای ازدواج و مشکلات اقتصادی و سنت‌های فرهنگی حاکم بر آن جوامع عامل اصلی ازدواج‌های زودهنگام است. اثرگذاری فناوری و محرومیت اقتصادی در سومالی (کننی^۳ و همکاران، ۲۰۱۹: ۱۱۱-۱۰۱) و شوک اقتصادی و کاهش سطح رفاه جامعه در اندونزی (کومالا دیوی^۴ و تگو^۵، ۲۰۱۸: ۳۵-۲۴) نیز بر ازدواج کودک-دختران مؤثر بوده است. برخی از مطالعات نیز بر کیفیت روابط میان والدین و فرزندان (بهان^۶ و همکاران، ۲۰۱۹: ۴۹۸) و تعارض منافع مابین آنها (شفنیت^۷ و همکاران، ۲۰۱۹: ۳۵۳-۳۴۶)، فرار از موقعیت‌های تنش‌زای خانوادگی (تیلور^۸ و همکاران، ۲۰۱۹: ۴۵)، هنجارهای اجتماعی (کننی^۹ و همکاران، ۲۰۱۹: ۱۱۱-۱۰۱؛ شولتز^{۱۰} و همکاران، ۲۰۱۸: ۳۴۹؛ ویتلا^{۱۱} و همکاران، ۲۰۱۷: ۲۰۱۷؛ کیسلقی^{۱۲} و همکاران، ۲۰۱۷: ۲۰۱۷؛ کیسلقی و همکاران، ۲۰۱۹: ۱؛ ونگ^{۱۳} و سینگال^{۱۴}، ۲۰۱۷: ۲۰۱۷؛ بومن^{۱۵} و همکاران، ۲۰۱۷)، قوانین و هنجارهای محلی، تفسیر قوانین حوزه خانواده در مناطق روستایی و نگرانی-های مذهبی (گریجس^{۱۶} و هوری^{۱۷}، ۲۰۱۸: ۴۵۳)، دستیابی به موقعیت و پایگاه اجتماعی در میان همسالان (ویتلا و همکاران، ۲۰۱۷) و جامعه خود (شفنیت و همکاران، ۲۰۱۹: ۹۵) تأکید کرده‌اند.

همچنین در مطالعاتی به اثرگذاری متغیرهای دموگرافیک، همچون تحصیلات (کرمیشل^{۱۸}، ۲۰۱۱: ۴۲۶؛ لین^{۱۹}، ۲۰۱۱: ۱۲؛ راسموسن^{۲۰} و همکاران، ۲۰۱۹: ۲۴-۱۶؛ پینتو پائول^{۲۱}، ۲۰۱۹: ۲۰۱۶؛ پندی^{۲۲}، ۲۰۱۶: ۲۰۱۶؛ هاتچکیس و همکاران، ۲۰۱۶: ۲۰۱۶؛ تنکورنگ^{۲۳}، ۲۰۱۹: ۴۸؛ ساندر^{۲۴}، ۲۰۱۹: ۲۱۴۶-۲۱۳۳ و حسین و

1. Jensen
2. Thornton
3. Kenny
4. Kumala Dewi
5. Teguh
6. Bhan
7. Schaffnit
8. Taylor
9. Kenny
10. Schultz
11. Vaitla
12. Cislighi
13. Wang
14. Singhal
15. Bouman
16. Grijns
17. Horii
18. Carmichael
19. Lane
20. Rasmussen
21. Pintu Paul
22. Shanta Pandey
23. Tenkorang
24. Sunder

همکاران، ۲۰۱۶: ۵۳۰) و محل سکونت (هاتچکیس و همکاران، ۲۰۱۶ و کریمشل، ۲۰۱۱: ۴۲۹) نیز اشاره شده است. بدین معنا که کسانی که سواد کمتری دارند یا بی‌سوادند و جمعیت روستائین بیشتر در معرض ازدواج در دوران کودکی قرار دارند.

علاوه بر مطالعات خارجی، تحقیقات داخلی نیز به علل پیش‌رسی ازدواج در ایران توجه نشان دادند. برای نمونه بهنام و راسخ (۱۳۴۸: ۵۷) در کتاب *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*، بر این باورند که «در گذشته یکی از عوامل روی آوردن زنان به ازدواج، محرومیت آنها از استقلال اجتماعی و اقتصادی بود». برخی دیگر از محققان همچون کاظمی‌پور (۱۳۹۳: ۱۰۳) رابطه شاخص توسعه با سن ازدواج را مدنظر قرار داده و اذعان نمودند که هرچه درجه توسعه‌یافتگی بیشتر باشد، سن ازدواج زنان نیز بالاتر می‌رود. شماری از تحقیقات، شرایط منحصربه‌فرد بعد از انقلاب اسلامی را مدنظر قرار داده‌اند. برای نمونه آقاجانیان و مهریار (۱۹۹۹: ۷) و امانی (۱۳۸۰: ۳۴) اذعان داشته‌اند که با پیروزی انقلاب اسلامی و با توجه به تلاش‌های مجدانه برای اجرای فرامین الهی دین اسلام در حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی جامعه ایرانی، ازدواج کودکان مسئله یا معضل مطرح نبوده است. هرچند که برخی دیگر از محققان همچون پاپلی یزدی (۱۳۷۱: ۸۷) اذعان نمودند که «این ازدواج‌های زودرس هیچ ارتباطی با دستورات تعالی‌بخش اسلام ندارد... این مسئله‌ای است مربوط به دوران برده‌داری و برده‌فروشی. ولی امروزه با کلاه شرعی راه‌حل پیدا کرده‌اند». همچنین مقدادی و جوادپور (۱۳۹۶: ۳۲) اظهار نموده‌اند که ارتباط خانوادگی، تبعیض (نابرابری) جنسیتی، فقر و تدابیر اقتصادی، کنترل روابط جنسی و حفظ عزت خانواده، سنت و فرهنگ، درگیری، بلایا و شرایط اضطراری زمینه وقوع ازدواج زودرس را فراهم می‌نمایند. ایمان‌زاده و علیپور (۱۳۹۵: ۳۱)، با مطالعه تجربه زیسته زنان مرند از مشکلات ازدواج زود هنگام با استفاده از روش پدیدارشناسی، با ۱۸ نفر از زنان ۱۹ تا ۳۴ ساله این شهر مصاحبه انجام داده‌اند. نتایج مطالعه آنان علل ازدواج زود هنگام را در عواملی چون سطح اجتماعی پایین، سطح اقتصادی نامطلوب، اعتیاد و تک‌والدی یا بودن والد ناتنی، اجبار، فرهنگ طایفه‌ای و باورهای سنتی یافت. از نظر نویسنده کتاب *حلقه: نگاهی به ازدواج زود هنگام در ایران*، فقر فرهنگی، پایبندی به اصول و رعایت سنن قدیمی و سنتی بسیاری از والدین، فقر اقتصادی، جلوگیری از خطر فحشا، جلوگیری از رابطه‌های جنسی خارج از ازدواج یا بارداری‌های خارج از ازدواج و... از علل گرفتار شدن به ازدواج زود هنگام هستند (مظفریان، ۱۳۹۵: ۴۵). قدرت، سنن، هنجارهای اجتماعی، کم‌سواد و بهره‌گیری از عنصر دین جهت مشروع‌سازی از جمله عوامل کودک‌همسری از نگاه احمدی (۱۳۹۶: ۵۴) است که در کتاب *طنین سکوت: پژوهشی جامع درباره ازدواج زود هنگام کودکان در ایران*، معرفی شده‌اند.

بررسی پژوهش‌های انجام شده در مورد ازدواج دختران در دوران کودکی، گویای آن است که مطالعه پدیده مزبور با رویکرد کیفی سهم بسیار اندکی را به خود اختصاص داده است و غالب پژوهش‌ها با رویکرد

کمی و بیان میزان همبستگی و تحلیل رگرسیون صورت پذیرفته است. بدین ترتیب، لزوم به کارگیری روش کیفی ضرورتی دو چندان می یابد. روشی که مطالعه پیش رو نیز قصد کاربست آن را دارد. مضاف بر این، تاکنون تحقیقی جهت شناخت ازدواج کودک-دختران در جامعه مورد بررسی پژوهش پیش رو (خراسان رضوی) با وجود آمار بالای ازدواج کودک-دختران در آن انجام نشده است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع پژوهش کیفی است. ابزار جمع آوری اطلاعات مصاحبه نیمه ساختاریافته^۱ بوده است. برای تحلیل داده ها از روش تحلیل تماتیک^۲ یا موضوعی استفاده شده است. روش تحلیل تماتیک روشی مناسب برای تحلیل داده های متنی است. تحلیل تماتیک عبارت است از تحلیل مبتنی بر استقرا که در آن، محقق از طریق طبقه بندی داده ها و الگویابی درون داده ای و برون داده ای به یک سنخ شناسی تحلیلی دست می یابد. درحقیقت، تحلیل تماتیک سعی می کند از طریق کدگذاری داده ها و تحلیل آنها مشخص کند که داده ها به ما چه می گویند. این تحلیل در پی الگویابی در داده هاست (محمدپور، ۱۳۹۲: ۶۶). با توجه به هدف پژوهش که همانا شناسایی علل و زمینه های ازدواج دختران در دوران کودکی است، این شکل رایج از تحلیل داده های متنی بیش از هر روشی می تواند در خدمت اهداف پژوهش باشد. روش نمونه گیری تحقق مبتنی بر نمونه گیری هدفمند و گلوله برفی^۳ بوده است. مصاحبه ها تا رسیدن به اشباع نظری^۴ پیش رفت و درمجموع با ۴۱ کودک-زن مصاحبه صورت پذیرفت.

مشارکت کنندگان در تحقیق، از میان دختران ازدواج کرده کمتر از ۱۸ سال از شهرهای بجستان، گناباد، بردسکن و تربت حیدریه (واقع در استان خراسان رضوی) انتخاب شده اند. استان خراسان رضوی دارای شهرهای مختلفی با جمعیت های زیاد و کم است که هر کدام از نظر شرایط اقتصادی-اجتماعی باهم متفاوت هستند. شهرهایی مانند مشهد و نیشابور از جمله شهرهای پرجمعیت این استان بوده که قابل مقایسه با شهرهایی مانند گناباد، بجستان، بردسکن و... نیستند. شهرهای کوچک این استان از نظر اقتصادی از استان های محروم کشور بوده و نرخ بیکاری در آنها بالاست. نکته حائز اهمیت دیگر این است که میزان ازدواج کودک-دختران صورت پذیرفته در این شهرها بالا بوده است و ساکنین آنها نیز از نظر ویژگی های زبانی و فرهنگی به هم شبیه و تفاوت های زبانی و فرهنگی چشمگیری باهم ندارند. جدول ذیل اطلاعاتی در باب ویژگی های نمونه تحقیق بر حسب سن ازدواج و سن فعلی ارائه می دهد.

-
1. Semi Structured Interview
 2. Thematic Analysis
 3. Snowball
 4. Theoretical Saturation

جدول شماره ۲: ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان از نظر سن ازدواج و سن فعلی

کد پاسخگو	نام	سن ازدواج	سن فعلی
۱	فاطمه	۱۱	۱۶
۲	معصومه	۱۴	۱۸
۳	فاطمه زهرا	۱۳	۱۷
۴	دنیا	۱۶	۱۸
۵	اسما	۱۱	۱۵
۶	ملیحه	۱۰	۱۸
۷	عاطفه	۱۴	۱۶
۸	زهرا	۹	۱۵
۹	طیبه	۱۴	۱۷
۱۰	مهدیه	۱۵	۱۸
۱۱	ریحانه	۱۴	۱۸
۱۲	ستایش	۱۳	۱۸
۱۳	هما	۱۲	۱۷
۱۴	حبیبه	۱۱	۱۶
۱۵	مهسا	۱۰	۱۴
۱۶	زهره	۹	۱۸
۱۷	مریم	۱۴	۱۸
۱۸	محیا	۱۳	۱۷
۱۹	محدثه	۱۴	۱۸
۲۰	فاطمه	۱۲	۱۶
۲۱	نازنین زینب	۱۲	۱۵
۲۲	زینب	۱۵	۱۸
۲۳	نازنین زهرا	۱۲	۱۶
۲۴	کیمیا	۱۱	۱۸
۲۵	نرگس	۱۱	۱۴
۲۶	لیلا	۱۱	۱۴
۲۷	مهرین	۱۵	۱۸
۲۸	آرزو	۱۴	۱۶
۲۹	محبوبه	۱۳	۱۸
۳۰	فاطمه	۱۵	۱۷
۳۱	نازنین	۱۰	۱۳
۳۲	یگانه	۱۲	۱۵
۳۳	مریم	۱۱	۱۵
۳۴	حدیثه	۱۴	۱۸
۳۵	نرجس	۱۰	۱۵
۳۶	فرشته	۱۴	۱۷
۳۷	سمیه	۱۲	۱۶
۳۸	هانیه	۱۲	۱۵
۳۹	فاطمه	۱۳	۱۶
۴۰	ساناز	۹	۱۶
۴۱	آسیه	۱۲	۱۷

یافته‌ها

ویژگی‌های دموگرافیک مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد که از نظر وضعیت شغلی، مشارکت‌کنندگان زیر ۱۸ ساله این مطالعه یا محصل (۲۳ نفر معادل ۵۶/۰۹ درصد) بودند یا خانه‌دار (۱۸ نفر معادل ۴۳/۰۹ درصد). از میان محصلین، ۸ نفر درحال تحصیل در حوزه علمی بودند (معادل ۱۹/۷۹ درصد). از نظر سن ازدواج کودک-دختران کمترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۱۶ ساله است که یک نفر را در برمی‌گیرد (برابر با ۲/۴۳ درصد) و بیشترین میزان فراوانی مربوط به گروه سنی ۱۴ ساله است که تعداد ۹ نفر را شامل می‌شود (برابر با ۲۱/۹۵ درصد). از نظر شغل پدر و مادر و همسر بیشترین میزان فراوانی به ترتیب مربوط به مشاغل نانو (۱۲ نفر معادل ۲۹/۴ درصد) و خانه‌دار (۳۷ نفر معادل ۹۰/۳ درصد) و نانو (۱۵ نفر معادل ۳۵/۶ درصد) است.

۷ مقوله اصلی از میان داده‌ها استخراج شد که به ترتیب شامل زمینه‌های خانوادگی، زمینه‌های اجتماعی، زمینه‌های فرهنگی، ویژگی‌های فردی، بافت مذهبی، زمینه‌های اقتصادی و شرایط اکولوژیکی می‌شود. هریک از این مقولات در ذیل خود ابعاد و خصایصی دارند که پس از مرور آنها به بحث خواهند آمد. در جدول زیر، مقولات اصلی و زیر مقولات حاصله از پژوهش به تفکیک ارائه شده است:

جدول شماره ۳. مقوله‌های استخراج شده

مقوله اصلی	زیر مقوله‌های اصلی	زیر مقوله‌های فرعی
زمینه‌های خانوادگی	خانواده ترمیمی	حضور نامادری
	خانواده از هم گسیخته	عدم حضور پدر به دلیل طلاق، فوت یا ازدواج مجدد
	خانواده نابسامان	اعتیاد پدر یا برادر، داشتن سابقه زندان پدر یا برادر
	فشار روانی شدید از سوی خانواده	فشارهای خانواده
	رهایی از اعمال محدودیت‌های خانواده پدری	استقلال طلبی
	فضای ناآرام خانه	مشاجرات مابین والدین
	در جستجوی محبت	کمبود محبت و احساس عاطفی نسبت به کودک-دختران
زمینه‌های اجتماعی	ارزش‌های اجتماعی	ارزشمندی ذاتی ازدواج
	نگرش اجتماعی	ذهنیت منفی نسبت به افراد مجرد
		ترس از بازماندگی و عواقب آن (داغ ننگ و عوض - بدل)
زمینه‌های فرهنگی	حفظ بکارت	پیشگیری از آبروریزی
	تسلط دیدگاه‌های مردسالارانه	رواج نگرش‌های ضد زن
		پسران رها و دختران دربند
		قدرت‌مندی پدر در خانواده
		عدم آمیختگی دختر با پدر

ادامه جدول شماره ۳. مقوله‌های استخراج شده

مقوله اصلی	زیرمقوله‌های اصلی	زیر مقوله‌های فرعی
باقت مذهبی	باورهای مذهبی	-
ویژگی‌های فردی	ویژگی‌های فردی - خانوادگی خواستگار	خویشاوندمحوری
		رفیق‌باز نبودن
		رشد بودن
		معتاد نبودن
		زیبایی ظاهری
		سالم بودن
		اشتغال دولتی مانند کارمند سپاه و نیروی انتظامی
	ویژگی‌های فردی کودک - دختر	کله‌لق نبودن (باحجابی)
		حافظ قرآن
شرایط زیست محیطی	کم‌آبی	-
	خشکسالی	-
	از رونق افتادن کشاورزی	-
زمینه‌های اقتصادی	بیکاری	نداشتن شغل ثابت و پایدار
	پایگاه اقتصادی پایین خانواده	وضعیت مالی بد خانواده
	پایگاه اقتصادی بالای خانواده	وضعیت مالی و شغلی خوب خانواده

زمینه‌های خانوادگی

نظام خانواده، به‌عنوان خشت بنای جامعه، اولین و مهم‌ترین نظامی است که بر اعضای خود، به‌ویژه کودکان و زندگی آینده آنان، اثر می‌گذارد. درواقع، اگر خانواده‌ای به‌لحاظ اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خانواده‌ای به‌نجار باشد، کودکان در آن زندگی مساعدتری خواهند داشت و زندگی آینده‌شان نیز بهتر خواهد بود و بالعکس. در مطالعه حاضر، مشارکت‌کنندگان یکی از دلایل ازدواج‌شان در سنین زیر ۱۸ سالگی را به شرایط خانوادگی خود نسبت داده‌اند. براساس اظهارات مشارکت‌کنندگان خانواده‌های ترمیمی، خانواده‌های از هم گسیخته، خانواده‌های نابسامان، فشارهای روانی شدید از سوی خانواده و رهایی از اعمال محدودیت‌زای خانوادگی را می‌توان ازجمله این شرایط نامید.

شرایط زندگی در خانواده‌هایی که ناتنی یا اصطلاحاً «خانواده ترمیمی»^۱ (خانواده‌ای که در آن دست کم یکی از طرفین دارای فرزند یا فرزندی از زندگی مشترک قبلی خود است، خواه در یک خانه زندگی کنند یا در محله نزدیک دیگری) هستند با خانواده‌های عادی متفاوت است. یکی از حالت‌های خانواده ناتنی، «حضور نامادری» است. زمانی که کودک-دختران «زیر دست» نامادری بزرگ شده باشند، نوعی

1. Reconstituted Family

تمایل دو طرفه و متقابل وجود دارد که هرچه زودتر، به واسطه ازدواج، از خانه پدری خارج شوند. همان گونه که گفته شد، این تمایل دو طرفه است؛ یعنی از یک سو، نامادری انتظار می کشد که زودتر کودک-دختر را از زندگی خود و شوهرش بیرون کند و از سوی دیگر، کودک-دختر انتظار می کشد تا زودتر از این زندگی بیرون برود، به ویژه اگر توسط نامادری مورد آزار و اذیت قرار گیرد.

«نامادری اسمش روشه. یعنی مادرت نیست. اگه نامادری خوب بود که خدا هم نامادری داشت. فقط دوس داشتم که دیگه نبینمش» (کد ۵).

در این گفته، کودک-زن بر واژه «نا» تأکید می کند که معنای «بد» و «شور» بودن در آن نهفته است. «نا» منفی بودن دیدگاه کودک-زن را نسبت به مادر ناتنی اش به خوبی به نمایش می گذارد که در نتیجه، آن «حس تنفر» را نه تنها نسبت به نامادری، حتی نسبت به خانه ای ایجاد می کند که در آن نامادری سکنی دارد. مشارکت کننده فوق از داستان «سفید برفی» برای محقق تعریف می کند که نامادری-اش با او چه رفتاری انجام داد و ادامه داد:

«خوب اون سفید برفی بود و زن باباش به او حسودی می کرد. من که سیاه برفی هم نیستم. نه زیبایی خاصی داشتم نه چیزی. اصلاً شاید دوس داشتم که پدرم فقط مال اون باشه و به ما توجهی نکنه» (کد ۵).

کودک-زن با مقایسه زندگی خود با داستان های افسانه ای همچون «سفید برفی» در پی کشف علت رفتارهای نامادری اش بوده است، اما جوابی قطعی برای آن نمی یابد و صرفاً حدسیات خود را برای محقق بازگو می کند.

«عجله» نامادری برای عروس کردن دختر ناتنی اش از دید کودک-زن پنهان نمی ماند و یک حس «اضافه بودن» در خانه را در وی ایجاد می کرد. «موجود اضافه» ای که باید خانه پدری اش را ترک گوید.

«به بار خودم شنیدم که زن بابام به بابام می گفت منو بده به پسر همسایه مون. انگار من تو خونه اضافه بودم و جای اونو تنگ کرده بودم. من بام رو قالی پدرم بود، تو خونه بابای اون که نبودم... وقتی اینارو می شنیدم، خودمم دلم می خواست زودتر شوهر کنم. دیگه خونه خودمو داشته باشم» (کد ۳۱).

بدین ترتیب، در شرایطی که نامادری در خانه حضور دارد، کودک-زن احساس می کند که حضور او در کنار حضور نامادری در یک خانه باهم تناقض دارند و این تمایل را حتی در ذهن کودک-زن ایجاد می کند که این دو باهم قابل جمع نیست. در این شرایط، باید به فکر چاره ای افتاد. راه حل خروج نامادری از خانه

۱. «پا رو قالی داشتن» به صاحب بودن یا نبودن خانه اشاره دارد. این جمله در گفته های کد شماره ۳۱، بدین معناست که پدرش صاحب خانه است و قالی که کنایه از خانه دارد، برای پدرش است.

به بن بست می‌رسد، چراکه خانه پدر، حکم «خانه نامادری» را دارد. در این شرایط، باید خود از خانه خارج شود. راه حل مورد پذیرش و قابل قبول (هم برای همگان و هم برای کودک-دختر) ازدواج است؛ آن هم ازدواجی که «هرچه زودتر» به وقوع بپیوندد.

شرایط زندگی در «خانواده‌های از هم گسیخته» نیز بر ازدواج زودهنگام دختران اثر می‌گذارد. خانواده‌هایی که به دلیل «عدم حضور پدر» از هم می‌گسلد. پدیده‌ای که می‌توان آن را «پدر غایب»^۱ نامید؛ یعنی پدری که به خاطر طلاق یا ازدواج مجدد، تماس اندکی با فرزندان خود دارد، یا هیچ تماسی با آنها ندارد.

«پدر که بالا سرمون نبود. ازدواج نمی‌کردیم، باید چیکار می‌کردیم؟!» (کد ۴۱).

«من ابتدایی بودم که پدرم با ماشین تصادف کرد و مرد. وقتی هم که مرد دیگه ما بی‌سایه شدیم.

مامانم خوب زود هم من و هم خواهرمو شوهر داد. می‌گفت پدر که ندارین بزرگتر که بشین مردم

میگن پدر بالا سرشون نبوده و معلوم نیس چطوری بزرگ شدن و چیکار کردن» (کد ۳۲).

یکی از دلایل اهمیت حضور پدر به دلایل فرهنگی برمی‌گردد. درواقع، در میدان‌های مورد مطالعه، حضور پدر به معنای تربیت سالم‌تر فرزندان، به‌ویژه دختران، است (کد ۳۲). دلیل دیگر به شرایط اقتصادی نامساعد در خانواده‌هایی برمی‌گردد که پدر حضور ندارد یا حضور کم‌رنگی دارد (کد ۱۳).

خانواده‌هایی که در «شرایط نابسامان» قرار دارند نیز شرایط را برای ازدواج دختران در دوران کودکی فراهم می‌کنند. یکی از شرایط نابسامان به «اعتیاد پدر یا برادر به مواد مخدر» برمی‌گردد. از نگاه مشارکت‌کنندگان اعتیاد پدر یا برادر منجر به بروز نگرانی در وجود اعضای خانواده، به ویژه مادر، می‌گردد، مبنی بر اینکه کسی به خواستگاری دخترشان نیاید.

«داداشم معتاد بود. یکی از دوستای خودشم اومد خواستگاری و ما باهم ازدواج کردیم. اون موقع

نمی‌دونستم که اون معتاده. بابامم معتاد بود. خوب کسی که معتاد باشه، عینه خودشم میاد

خواستگاریش. آدم سالم که نمیاد خواستگاری دختر یه معتاد» (کد ۸).

از گفته‌های پاسخگوی فوق که در ۹ سالگی، زمانی که کلاس سوم ابتدایی بوده، ازدواج نموده چنین برمی‌آید که خود نیز «انتظار» داشت که شوهر آینده‌اش نیز مانند پدر و برادرش معتاد باشد. درواقع، آینده‌ای جز این را برای خودش پیش‌بینی نمی‌کرد. به عبارتی، از نظر او، منطقی و عقلانی نیست که فردی غیرمعتاد با دختر یک انسان معتاد وصلت کند. نکته قابل توجه این است که کودک-زنان اعتیاد پدر یا برادر خود را توجیه می‌کردند و آن را به اشتغال به مشاغل سختی همچون شاطری (کد ۸) و رانندگی با ماشین سنگین (کد ۲۱) در ارتباط دانسته و آن را امری طبیعی و موجه جلوه می‌دادند.

علاوه بر این، اگر سابقه کیفی در میان اعضای خانواده وجود داشته باشد نیز اثر منفی بر سن ازدواج کودک-دختران می‌گذارد. سابقه زندان امتیاز منفی برای خانواده‌ای به حساب می‌آید که فرزند دختر دارند. وجود این ویژگی منفی باعث می‌شود که والدین در شوهر دادن دخترشان عجله کرده و با آمدن اولین خواستگار دختر خود را عروس کنند.

«بابام دو سال زندان بود. وقتی از زندان اومد بیرون، پسرعموم اومد خواستگاری. بابامم زود جواب مثبت داد» (کد ۱۹).

دلیل دیگری که از سوی مشارکت‌کنندگان مطرح شد «فشار روانی شدید از سوی خانواده» بوده است. درواقع، خانواده‌ها با معرفی خواستگاران، دادن اطلاعاتی در باب آنان و... باعث می‌شوند که کودک-دختران تحت فشار روانی قرار بگیرند و احساس کنند باید به‌زودی ازدواج کنند.

«اولاً کسی می‌اومد خواستگاری به من نمی‌گفتن. ولی ابتدایم که تموم شد همش مامانم به من می‌گفت. هر خواستگاری که می‌اومد تعریف می‌کرد ازش. خیلی تو فشار بودم. اون نمی‌گفت که با این ازدواج کن. ولی چون پیشم تعریف می‌کردن من تو اذیت بودم» (کد ۱۲).

کودک-دختران احساس می‌کنند که با گفتن جواب «بله» به خانواده‌هایشان، احساس رضایتشان را جذب می‌کنند. نیاز آنها به کسب رضایت والدین، یک موقعیت فشارزا بوده است.

«من احساس می‌کردم که اگه بگم نه، اونا /والدین/ دیگه منو دوس ندارن» (کد ۷).

وقتی که از کودک-دختران پرسیده می‌شد که فکر می‌کنید به چه علت «با این فرد» ازدواج کردید؟ در پاسخ می‌گفتند:

«خوب اون آدم خوبی بود. وقتی که یک خواستگار خوب میاد آدم چرا جواب مثبت نده. خانواده‌ام می‌گفتن که اون خوبه و ازش تعریف می‌کردن» (کد ۱۷).

البته این پاسخی بود که از سوی غالب مشارکت‌کنندگان شنیده می‌شد. آنها با تعریف‌هایی که از سوی والدین خود می‌شنیدند، جواب مثبت را منطقی‌ترین جواب می‌دانستند.

«رهایی از اعمال محدودیت‌زای» خانواده پدری از دیگر مقوله‌های مطرح شده از سوی بسیاری از مشارکت‌کنندگان است. آنان در اظهارات خود، به این نکته اشاره می‌کردند که تحقق ازدواجشان در دوران کودکی، آنها را از اعمال و کنترل‌های خانواده، به‌ویژه پدران و برادران، رها می‌ساخته و منجر به آزادی بیشتر آنان در زندگی زناشویی جدید می‌شده است. درحقیقت، می‌توان اینگونه عنوان نمود که کودک-دختران را، در فرهنگ مورد مطالعه، موجودی با جایگاه خاص خود به رسمیت نمی‌شناسند و عقلانیت و تشخیص بزرگسالان به وجود و دنیای آنها رسمیت می‌بخشد. این عقلانیت افراطی دنیای بزرگسالان، دنیای کودک-دختران را دربرگرفته است و بیشتر لحظات زندگی‌شان از روی برنامه‌هایی که بزرگسالان

برایشان تدارک دیده‌اند می‌گذرد. آزادی کودک- دختران به خطر افتاده است و آنها پیوسته تحت هدایت و تعیین‌شدگی از سوی بزرگسالان قرار دارند. آنها حتی در انتخاب نوع پوششان نیز آزادی عمل ندارند. آنان بیشتر موجوداتی ناتوان در زیر سایه بزرگسالان تلقی می‌شوند. لذا حیطه دوران کودکی کودک-دختران یک حیطه تهدیدشده، تجاوزشده و آلوده شده توسط دنیای بزرگسالان، به‌ویژه والدین‌شان، است. این بزرگسالان کودک-دختران را تماشاگرانی ناتوان در نظر می‌گیرند که باید راه و روش زندگی را بدان‌ها آموزش داد یا حتی راه و روش زندگی‌شان را تعیین کرد و کودک-دختران را مکلف نمایند که بر مبنای آن عمل نمایند.

با توجه به محدودیت‌ها و کنترل‌هایی که از سوی بزرگسالان، به‌ویژه پدران و برادران، بر دنیای کودک اعمال می‌گردد، کودک نیز واکنش‌هایی نشان می‌دهد تا وجود خود را نشان دهد و به اثبات برساند. کودکان با ورود به دنیای بزرگسالی، به‌واسطه ازدواج کردن، می‌خواهند باور آنها را از کودک و مفهوم کودکی دگرگون کنند و خود را، عضوی از جامعه که توانایی تصمیم و تغییر دارد، نشان دهند. آنها وجود خود را با ورود زودرس به قلمرو بزرگسالان آشکار می‌کنند. یکی از سخنان کوتاه و درعین‌حال، بسیار گویا در این زمینه مربوط به گفتگوی محقق با کد ۳۳ است:

«بعد از ازدواج مارو آدم حساب میکنن» (کد ۳۳).

اعمال محدودیت‌ها و کنترل‌ها از سوی خانواده بر روی فرزندان به ویژه فرزندان دختر باعث می‌شود که کودک-دختران نوعی نگاه پراگماتیستی نسبت به ازدواج پیدا کنند و پیوسته موقعیت و وضعیت قبل و بعد از ازدواج و شرایط متأهلی/مجردی را باهم مورد قیاس دهند و بدین ترتیب تصمیم خانواده‌هایشان برای ازدواجشان را تأیید کرده و بپذیرند. حتی در شرایطی آن را مثبت نیز بدانند.

«بعد از ازدواج تازه می‌تونن به راحتی خونه اقوام بری، البته بازم باید شوهرت اجازه بده. ولی اینجا دیگه

باید اجازه یه نفرو بگیری. ولی خونه مامانت، باید اجازه ده نفرو بگیری. تازه اگه اونا هم اجازه بدن،

حرف مردمو میخوای چیکار کنی؟» (کد ۳۷).

تسهیل و افزایش ارتباط با اقوام و خویشاوندان (کد ۲۲) و آزادی بیشتر در انتخاب نوع و نحوه پوشش

(کد ۳) نیز از جمله موارد رهایی از محدودیت‌هاست.

فضای ناآرام خانواده پدری و محبت ندیدن از سوی خانواده (کد ۱۶) نیز از دیگر زیرمقوله‌های به‌دست

آمده از مقوله زمینه‌های خانوادگی است.

زمینه‌های اجتماعی

ازدواج کودکان به‌کلی و کودک-دختران به شکل خاص، به‌هیچ‌وجه خاص جوامع عقب افتاده یا جوامع مسلمان نبوده است. در پیشرفته‌ترین کشورهای جهان نیز کودکان از عوارض و تبعات ناشی از ازدواج رنج

می‌بردند. اما در کشورهای پیشرفته، مبارزه با ازدواج زودهنگام کودکان از سال‌ها پیش آغاز شده است. محققانی با نگرش‌ها و رویکردهای متفاوت، طی سالیان طولانی، در این حوزه فعالیت کرده‌اند. فعالیت این محققان سازمان‌های دولتی و غیردولتی، رسانه‌ها و افکار عمومی را متوجه عمق این پدیده ساخت و اینگونه ضرورت مقابله با ازدواج کودکان به حوزه عمومی راه یافت. نتیجه این اقدامات از یک‌سو تصویب قوانینی دقیق و پایدار برای جلوگیری از وقوع چنین ازدواجی بود و از سوی دیگر، علاوه بر منع قانونی، نگرش‌ها و اعتقادات مردم، که تقویت‌کننده ازدواج کودکان بود، تغییر یافت و در نتیجه گروه‌های مختلف به طور گسترده با این پدیده مبارزه نمودند.

اما آنچه که این مسئله را در کشورهای شرق، به‌ویژه کشورهای عربی و اسلامی، برجسته می‌سازد، آن است که به دلایل اجتماعی و فرهنگی این کشورها، با وجود افزایش فراوانی و پیامدهای حاصله از آن، این موضوع به نگرانی عمومی و مسئله‌ای اجتماعی مبتل نشده است. لذا نگرش‌ها و ارزش‌های اجتماعی می‌توانند زمینه‌ساز بروز ازدواج کودکان باشند.

ازدواج در جامعه ایرانی ارزش اجتماعی تلقی می‌شود. کودک-زنان نیز به اهمیت ازدواج اشاره داشته و آن را امری معرفی می‌کنند که واجد «ارزشمندی ذاتی» است. ازدواج از نظر جامعه، ارزش اجتماعی دارد و سوژه با قرار گرفتن در چنین موقعیت نقشی، مورد تأیید قرار می‌گیرد. بر ساخت ذهنی از ازدواج رخداد (فرایند) مهم و نه پیش‌پاافتاده و درعین‌حال، ضروری/ اجتناب‌ناپذیر است. از طرفی، نوعی بینش پراگماتیستی از ازدواج وجود دارد که در سایه بهره‌مندی سوژه از قرار گرفتن در موقعیت نقش برآورد می‌شود. درواقع، بسیاری از تغییرات زندگی آینده در سایه این رخداد خوانش می‌شوند به‌نحوی که موفقیت و عدم موفقیت و خوشبختی و عدم خوشبختی با ازدواج بازشناخته می‌شود. به عبارتی، ازدواج اتفاق و رویدادی در راستای زندگی نیست، بلکه نقطه عطفی است که می‌تواند کل زندگی را تحت‌تأثیر قرار دهد و مسیر آن را عوض کند؛ «بلاخره آدم باید ازدواج کنه دیگه. چه زود چه دیر» (کد ۲۹).

«ازدواج خیلی مهمه. اگه ازدواج نکنی پس چیکار کنی؟! [کودک-زن با حالت خنده ادامه می‌دهد]

بمونی خونه بابات؟!» (کد ۱۵).

بدین ترتیب، در یک نظم سنتی فراگیر، طبیعی است که ازدواج به‌مثابه بازتولید چرخه تداوم حیات اجتماعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد. چنین رمزگان فرهنگی‌ای، سوژه‌های اجتماعی را در میل و آرزومندی دستیابی به این موقعیت، مهیای بر عهده گرفتن آن می‌کنند و تصویر آرمانی ازدواج را چون نوعی موفقیت اجتماعی و حوزه کسب پاداش برمی‌سازند. اینگونه است که از زبان برخی از مشارکت-کنندگان شنیده می‌شود که آنها قبل از ورود به دنیای بزرگسالی، از دریچه ازدواج به عنوان تنها معبر، «در

آرزوی ازدواج» نام می‌برند. قابل ذکر است که اکثر مشارکت‌کنندگان در این مطالعه، به نوعی اهمیت ذاتی ازدواج را یادآور شده‌اند.

ارزش‌های موجود در جامعه بر روی نگرش‌های اعضای خود نیز اثر می‌گذارد. ارزشمندی ذاتی واقعه ازدواج، منجر می‌شود که نوعی «ذهنیت منفی نسبت به افراد مجرد» در جامعه شکل بگیرد. درواقع، اهمیت بیش از اندازه ازدواج منجر می‌شود که وقوع ازدواج برای هر دختر و پسری امری حتمی، بدیهی و الزامی و غیرقابل اجتناب تلقی شود و بر همین مبنا، کسانی که «اندکی» سنشان بالاتر رفته باشد و وارد گروه «ازدواج‌کرده‌ها» نشده باشند، مورد طرد و نفی قرار می‌گیرند.

«زود ازدواج کردن اونم مثل من اصلاً خوب نیست اما دیگه نبایدم دیر ازدواج کنی. وقتی دیگه بررسی به ۲۱ و ۲۲ کسی نمیداد سراغت. میگن حتماً عیب و ایرادی داشته» (کد ۲۴).

در چنین شرایطی، «ترس از بازماندگی» در ذهن کودک-زنان ریشه می‌دواند. بنابر اظهارات کودک-زنان، چنین ترسی هم از سوی آنان تجربه شده و هم از سوی خانواده‌هایشان.

«همیشه که آدم خواستگار نداره. همین روستای جنگل اطراف بجستانه. اونجا دیگه اگه دختر ابتدایی رو تموم کنه بره راهنمایی دیگه شوهر نمی‌کنه. خوب دیگه کسی نمیره خواستگاریش» (کد ۹).

همچنین وجود افراد نزدیک به شخص، که مجرد مانده‌اند (کد ۱۶)، همچون تصور نوعی وضعیت ممکن و نامناسب که می‌تواند برای آنان نیز اتفاق بیفتد، ازدواج را به یک هدف برای فرد تبدیل می‌کند. بدین ترتیب، اگر آنها خواستگاری نداشته باشند، ترس از «ماندگی» را تجربه می‌کنند؛ «همه دوستای هم سن و سالم ازدواج کرده بودن. من و یکی دوتا از بچه‌ها مونده بودیم!» (کد ۲۳).

همان‌گونه که از گفته‌های مشارکت‌کننده فوق برمی‌آید، مجرد بودن منجر به هویت اجتماعی جدید ناخواسته‌ای می‌گردد که در ادبیات جامعه‌شناسی، داغ ننگ شناخته می‌شود. داغ ننگ^۱ تجرد که خود را در میدان‌های مورد مطالعه، با اصطلاح «مانده» یا «بمونده» به نمایش می‌گذارد، برای دخترانی به کار می‌رود که سنشان اندکی بالاتر رفته باشد و در جرگه ازدواج‌کرده‌ها قرار نگرفته باشند. واژه‌ای که با «ترشیدگی» در فرهنگ ایرانی قابل قیاس است. مجردی، حتی اگر دختران هنوز سنین کودکی را به سر نبرده باشند، تنها در جامعه‌ای که در آن واقعه ازدواج بسیار پراهمیت است، به منزله داغ ننگ شناسایی می‌شود، زیرا در میدان‌های سستی مورد مطالعه، پدیده ازدواج نه امری شخصی بلکه مقوله‌ای خانوادگی و اجتماعی است. بنابراین تجرد، پیامدهای اجتماعی نامساعد بسیاری را برای دخترکان در چنین جوامعی ایجاد می‌کند.

علاوه بر احتمال داغ‌خوردگی، یکی از عواقبی که مجرد بودن برای کودک-دختران دارد این است که آنها براساس رسمی که در منطقه متداول است، درگیر روند «عوض-بدل» شوند. «عوض-بدل» بدین معناست

که «یک دختر از خانواده مقابل می‌گیری و یک دختر به آنها می‌دهی». این پدیده که در شهرستان گناباد به «آیش بدلو» خوانده می‌شود، در شرایط مختلفی صورت می‌گیرد. یکی از شرایط این است که وقتی دو خانواده دختری دارند که از سن ازدواج آنها، براساس فرهنگ منطقه گذشته است (به عنوان مثال سن ۲۱ یا ۲۲ سال را رد کرده است) باهم توافق می‌کنند که پسرانشان با دخترانشان ازدواج کنند.

«دختر همسایه‌مون آخرش با پسردایی مامانش عوض-بدل شد. هم خودش بدبخت شد و هم دادشش» (کد ۱۶).

زمینه‌های فرهنگی

زمینه‌های فرهنگی جامعه مورد مطالعه نیز در ازدواج دختران در دوران کودکی مداخله می‌کند. براساس فرهنگ جامعه ایرانی، برقراری رابطه جنسی تا پیش از ازدواج، تابوی نظام اخلاقی و اجتماعی تلقی می‌شود. براساس همین ملاحظات اخلاقی و حفظ آبرو است که خانواده‌ها به خود می‌بالند که می‌توانند زودتر از اطرافیان برای دختران نابالغان عروسی بگیرند، اما ترس اصلی حفظ آبروست. هم‌بالینی^۱ دختران و دوست شدنشان با جنس مخالف نوعی رسوایی است که گریبان‌گیر خانواده دختر می‌شود؛ «مامانم می‌گفت بهتر از اینه که عقل تو کله‌ت بیفته و بری با پسرای مردم» (کد ۲).

بدین ترتیب، زمانی که کودک-دختر زود به خانه شوهر برود فرصتی برای برقراری ارتباط با جنس مخالف ندارد و درنتیجه پاکدامنی وی حفظ شده و از هرزگی دور می‌شود؛

«خانواده‌ها می‌ترسن که آدم با کسی دوست بشه و بعد عروسی کنه، به خاطر همین زود شوهرش میدن که با شوهرش عروسی کنه» (کد ۳۸).

اصطلاح «عروسی کردن» به معنای متداول و رایج آن در فرهنگ مسلط ایرانی نیست. یعنی بدین معنا نیست که جشنی برگزار شود و دو زوج زندگی مشترکشان را شروع نمایند بلکه در فرهنگ جامعه مورد مطالعه، «عروسی کردن» به معنای «از دست دادن بکارت» است. انتخاب واژه مذکور جهت از دست دادن باکرگی نشان از اهمیت این امر دارد که صرفاً باید بعد از گرفتن مراسم عروسی دخترکی، از میان برداشته شود. حتی ترس از دست دادن بکارت در دوران عقد نیز در کودک-دختران وجود دارد. چون با از دست دادن آن، ممکن است خانواده دختر، فرزندشان را بدون چهره‌ای به خانواده داماد بفرستند.

شرایط فرهنگی دیگر، که متأثر از فرهنگ مسلط جامعه ایرانی نیز هست، به «تسلط دیدگاه‌های مردسالارانه» برمی‌گردد. در فرهنگ مردسالار، زن «جنس دوم» به حساب می‌آید که از حقوق چندانی برخوردار نیست. درعوض، نگرش‌های «ضد زن» رواج گسترده‌تری دارد. در فرهنگ مذکور، پسران «رها»

و دختران «در بند» هستند. شاید به همین خاطر باشد که می‌توانیم در آن ارجحیت فرزند مذکر را نظاره‌گر باشیم. به تعبیر خود کودک-زنان، آنها از نظر دیگران موجوداتی هستند «دست و پا شکسته». به عبارت دیگر، دختران و زنان «توانمند» نیستند و دیگری چون مردان، پدران، شوهران و برادران باید برای آنها تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز باشند. با وجود اینکه محدودیت‌های فرهنگی برای زنان به صورت کلی و فارغ از «سن» وجود دارد اما کودک-دختران از «مادرانشان» انتظار حمایت دارند. شاید فراتر از آن آنها «مسئولیت حمایت^۱» از خود در برابر پدران و برادرانشان را بر دوش مادران می‌گذارند. اما باید گفت مادران یا «نمی‌توانند» یا «نمی‌خواهند» از دخترکان خود حمایت کنند. آنان نیز همگام با انگاره‌های مردسالارانه، محدودیت‌های مضاعف‌تری را بر دخترانشان اعمال می‌کنند.

از طرف دیگر، اقتدار و به تعبیر واقع‌بینانه‌تر «قدرت» پدر در خانه، اجازه آمیختگی^۲ (درگیری) دختر با پدر را نمی‌دهد و ارتباط و صمیمیتی بین آنان شکل نمی‌گیرد که در آن دختر بتواند با آرامش و احساس محبت، مسئله مخالفت خود را با وی در میان بگذارد. وی چاره‌ای جز سکوت، که نشان‌گر علامت رضاست یا اعلام صریح موافقت، ندارد.

«من که اصلاً روم نمی‌شد به بابام بگم نه. تا حالا چیزی ازم نخواستنه بود. حالا اومده گفته که نون درآر نانوايي تو رو از من خواستگاري کرده. منم گفتم هر جور خودشون صلاح می‌دونن» (کد ۲۹).

بافت مذهبی

ازدواج و پیوندهای زناشویی از دیدگاه سنتی، نهادی مقدس و چنان قدسی لحاظ می‌شود که مردم پیمان ازدواج را امر شرعی و دینی مدنظر قرار می‌دهند. به همین جهت، مذهب و مبانی و باورهای مذهبی مردم منطقه مورد مطالعه نه تنها در ذهن، بلکه در کردار و رفتار مردم نیز بسیار هویداست. مردم در عمل کردن به شعائر و واجبات دینی بسیار کوشا هستند. برای نمونه، زمانی که در شهرهای بجنستان و بردسکن شروع به پرسه زدن کنیم، افراد غیرچادری کمتر دیده می‌شوند. هرچند که شهرهای گناباد و تربت حیدریه به دلیل بزرگتر بودن و ورود دانشجویان به آن اندکی تغییر را به خود دیده است. اما به‌طور کلی بر مسائل دینی و رعایت شعائر و مناسک اعتقادی تأکید زیادی می‌شود. باورمندی مذهبی مردم منجر می‌شود تا سیره و سلوک ائمه معصومین (ع) را الگویی برای رفتارهای خود در نظر بگیرند؛

«همش میگفتن حضرت فاطمه ۹ ساله بود ازدواج کرد، تو که الان ۱۳ سالت شده. آخه آدم از این جوش میزنه که اونا کی رو با کی مقایسه می‌کنن. یکی نیست به اینا بگه که حضرت فاطمه با امام علی ازدواج کرده بود، نه با یکی مثل شوهر من» (کد ۱۲).

گفته‌های پایانی کودک-زن فوق نشان می‌دهد که وی با توجه به شرایطی زندگی زناشویی خود، نگاهی کم‌ویش نقدانه به باورهای مذهبی موجود دارد. مضاف بر این، می‌توان گفت ازدواج در میدان‌های مورد مطالعه، در حکم یک وظیفه دینی و شرعی تعریف می‌شود که لازم‌الاجراست و با وقوع آن، یکی از اساسی‌ترین وظایف دینی به اجرا درمی‌آید (کد ۱).

ویژگی‌های فردی

مقوله ویژگی‌های فردی دربرگیرنده دو زیرمقوله ویژگی‌های خواستگار و ویژگی‌های کودک-دختر است. بر مبنای گفته‌های کودک-زنان، گاهی اوقات علت ازدواج در دوران کودکی به ویژگی‌هایی برمی‌گردد که خواستگار واجد آن است. یکی از ویژگی‌های مزبور به «خویشاوند بودن خواستگار» مرتبط است. در بسیاری از مطالعات داخلی، از جمله، مطالعه عباسی شوازی و عسکری ندوشن (۱۳۸۴: ۴۰-۳۹)، نشان داده شده که ازدواج خویشاوندی در ایران، همبستگی شدیدی با سن پایین‌تر ازدواج دارد و برعکس بهبود و ارتقا پایگاه زنان از نظر آموزش و اشتغال احتمال این نوع ازدواج را کاهش می‌دهد.

«بابام می‌گفت من با داداشم گوشت و پوست و استخون یکی هستیم. خون خونی می‌کشه. ما از یک سفره/یم^۱. دیگه خودشون ساعت خوش^۲ گرفتن برای مراسم عقد» (کد ۱۳).

در اینگونه ازدواج‌های خویشاوندی، به‌طور صریح و واضح، ازدواج قرار و مداری بین دو خانواده است که از طرف والدین گذشته می‌شود نه خود افرادی که باهم ازدواج می‌کنند و حتی به صورت صوری هم توجهی به نظر آنان نشود (کد ۴۰).

یکی دیگر از ویژگی‌هایی که خانواده دختر برای گزینش داماد در نظر می‌گیرند «رفیق‌باز نبودن» اوست. این ویژگی به دلیل رواجی که در منطقه دارد، ویژگی منفی مدنظر قرار می‌گیرد. بنا به گفته کودک-زنان، در مرحله تحقیقات، به سراغ اطرافیان داماد می‌روند، تا میزان و شدت رفت‌وآمدهای وی را با دوستانش بسنجند؛

«همین که رفیق‌باز باشن خیلی خرابه. رفیق اونا رواز راه به در می‌کنه و ممکنه بهشون چیزی تعارفی بدن^۳. ولی بابام گفته بود که صادق اصلاً اهل رفیق و رفیق‌بازی نیست» (کد ۳۳).

از دیگر ویژگی‌های مثبتی که منجر به دادن جواب مثبت به خواستگار می‌شد، «رشید بودن» وی بود. رشید بودن بدین معناست که خانواده پسر، از آن جمله خانواده‌هایی هستند که از سایرین «سَرتر» و خانواده‌ای با اصالت است (کدهای ۹، ۲۲، ۱۹ و ۷). از ویژگی‌های مثبت دیگری که از خواستگار گفته می‌-

۱. بدین معنا که علاوه بر رابطه خویشاوندی، رفت‌وآمد خانوادگی زیادی دارند.

۲. یعنی انتخاب روز یمن و مبارک.

۳. منظور این است که مواد مخدر به آنها بدهند.

شد عبارت بودند از: نداشتن اعتیاد (کد شماره ۲۳، ۷، ۱۲)، زیبایی ظاهری (کدهای شماره ۲۴ و ۳۳)، سالم بودن (کدهای شماره ۱۰، ۱۱ و ۳۰)، اشتغال به امور مذهبی مانند مداحی، طلبگی، روحانیت (کد ۱۸ و ۴۱) اشتغال دولتی مانند کارمند سپاه (کد ۹) و کارمند نیروی انتظامی (کد ۲۸) و همشهری بودن (کد ۴ و ۲۵). زیرمقوله دیگر ویژگی‌های فردی، ویژگی‌های کودک-دختر است. ویژگی‌هایی چون باحجابی و حافظ قرآن (کد ۱۸) بودن که بیشتر حول باورها و عقاید مذهبی تعریف و تأیید می‌شود. باحجابی یکی از ویژگی‌ها و مشخصات دختر «خوب» به حساب می‌آید که با کاربست مفهوم «کله‌لق» عنوان می‌گردد. کله‌لق نبودن بدان معناست که فرد دارای حجاب کامل یعنی «چادر» باشد. اگر فردی با استفاده از مانتو هم حجابش کامل باشد، او هم به کله‌لق بودن شهره می‌شود. بنابراین فرد محببه صرفاً با چادر حجابش کامل می‌گردد. چنین کودک-دخترانی متقاضیان زیادی برای ازدواج دارند و این امر به ازدواج زودهنگامشان کمک می‌کند.

شرایط زیست محیطی

محیط اکولوژیکی و جغرافیای منطقه نیز می‌تواند به شکلی مداخله‌گرانه بر ازدواج کودک-دختران دخیل باشد. منطقه مورد مطالعه از نظر آب و هوایی گرم‌وخشک به حساب می‌آید که، بنا به گفته شرکت‌کنندگان مطالعه، چندین سال است که درگیر بحران بی‌آبی و خشکسالی شده است (کدهای ۱۰، ۱۱ و ۶). نبود و کمبود آب باعث شده که هم زراعت و کشاورزی در منطقه کاهش یابد و هم ارزش زمین‌ها کم شود. زمینی که آب نداشته باشد، ارزش خرید و فروش هم ندارد. انار، زردآلو، زعفران و... از محصولات منطقه بودند که کشت و برداشت آن به شدت کاهش یافته است و این امر از یک‌سو میزان بیکاری و عواقب سوء آن، مانند گرفتار شدن به دام اعتیاد، رفیق‌باز شدن جوانان، رجوع به کارهایی مثل کفتربازی را افزایش داده است (کدهای ۶، ۲۳، ۱۴، ۲۵). از طرفی برخی از جوانان برای یافتن شغل به شهرهای بزرگ مهاجرت می‌کنند که معمولاً به شغل شاطری مشغول به کار می‌شوند. شغلی که از نظر مصاحبه‌شوندگان با مصرف تریاک جهت کسب قوای بدنی ملازم است.

زمینه‌های اقتصادی

منظور ما از اقتصاد، مباحث مالی و پولی است که به شکل‌های مختلف از جمله اشتغال/ بیکاری خود را نشان می‌دهد. به سبب مشکلات اقتصادی و معیشتی در بین ساکنان منطقه که خود می‌توانند متأثر از خشکسالی چندین ساله باشد این باور به وجود آمده که تحصیل دختران، سودمندی و فایده‌ای به همراه ندارد. درواقع، این اعتقاد وجود دارد که اگر پسر درس بخواند، می‌تواند یک کار دولتی/اداری و مشاغل

مرتبط به آن را بگیرد و زندگی‌اش را سامان ببخشد؛ چون در آن مناطق، نه آبی کافی برای کشاورزی وجود دارد که بتوانند محصولات محصولاتی مانند زعفران بکارند و نه کارخانه و شهرکی که در آن کارگری کنند. به همین علت کودک-دختران بر این باور بودند که «بی‌پولی» یا نداشتن پول «کافی» عاملی بود برای زود شوهر «دادنشان».

«بابام بیکار بود، ما سه تا بچه/ایم، من بچه بزرگ خانواده بودم، وقتی خواستگار اومد /اونام جواب دادن»
(کد ۱۰).

مشارکت‌کننده فوق، جمله خود درباره ازدواج زودهنگام خود را با «بیکاری پدر» شروع می‌کند. از نظر وی بیکاری پدر می‌توانست عاملی باشد که خانواده‌ها تصمیم به ازدواج زودهنگام دخترانشان بگیرند و به اصطلاح یک «نان خور» کم شود و سفره کوچکتری پهن گردد.

«فکر می‌کردم وقتی که شوهر کنم، دیگه هرچی می‌خوام می‌خرم، هرچی که تو خونه پدرم نداشتم دیگه شوهرم برام می‌گیره. نمی‌دونستم که از این خبرا نیست» (کد ۳۵).

نرجس ۱۵ ساله که در ۱۰ سالگی ازدواج کرده بود، «تصور»ش از ازدواج را رسیدن به رفاه نسبی معرفی می‌کند. وی ادعا می‌کند که «نیاز»هایی داشته که در خانه پدری برآورده نشده و در فکر برآورده شدن آنها در خانه شوهر بوده است. هرچند وی اذعان می‌کند که تصوراتش اشتباه بوده است. کدهای ۳۹، ۲۸ و ۱۱ نیز به نوعی بدین مسئله اشاره کرده‌اند.

علاوه بر شرایط نامساعد اقتصادی، که در مطالب فوق تشریح گردید، شرایط خوب یا نسبتاً خوب اقتصادی نیز در ازدواج دختران در دوران کودکی اثر می‌گذارد. درواقع، برخی از کودک-زنان بر این باور بودند که به دلیل شرایط شغلی پدر یا مادر، زیاد خواستگار داشته‌اند و بالاخره از میان تعداد زیاد خواستگاران، یکی را انتخاب کرده‌اند. یکی از این مشاغل که بسیار هم مورد توجه است، اشتغال دولتی است؛

«من خواستگار زیاد داشتم، خوب بابام معلم ابتدایی بود، همه می‌شناختنش. بعد چون منطقه ما کار کمه اینکه فرهنگی باشی خواستگارات زیاد میشه» (کد ۱۳).

دلیل چنین مسئله‌ای را می‌توان در نوع نگاه خواستگاران جست. از نظر مشارکت‌کنندگان، زمانی که پدر یا مادر دختر، شغلی داشته باشند که دارای حقوق و مزایایی ثابت باشد، تصور مردم در این شرایط این است که چنین خانواده‌ای می‌توانند به دختر خود جهیزیه کامل و نسبتاً خوبی تقدیم نمایند. چنین خانواده‌هایی نیز مانند خانواده‌هایی با شرایط بد یا نسبتاً نامساعد اقتصادی، دخترانشان را در دوران کودکی، به خانه شوهر روانه می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر در پی آن بود که بدین پرسش اصلی پاسخ دهد که دلایل و زمینه‌های ازدواج دختران در دوران کودکی چیست؟ جهت یافتن پاسخ به کودک-زنانی رجوع شد که به صورت واقعی و عینی، ازدواج در دوران کودکی را تجربه کرده بودند. کودک-زنانی که هنوز سن مرز بین کودکی و بزرگسالی یعنی سن ۱۸ سال را رد نکرده بودند. در همین راستا، از مشارکت‌کنندگان تحقیق، که از چهار شهر بجنستان، گناباد، تربت حیدریه و بردسکن انتخاب شده بودند، پرسیده شد که نظرشان درباره سن ازدواجشان چیست؟ به عبارتی، از نظر آنها سن ازدواجشان به موقع بوده، زوده بوده یا دیر؟ باید گفت تمامی پاسخگویان معتقد بودند که «زود» یا «خیلی زود» وارد زندگی مشترک شدند. در همین راستا، از آنها علت «زود» یا «خیلی زود» ازدواج کردن را جویا شدیم. نکته قابل تأمل این بود که کودک-زنان بر این باور بودند که اگر آنان علل ازدواج را بیان کنند، درواقع، ذهنیت و تصورات خودشان را براساس گفته‌ها و کنش‌های دیگران عنوان می‌کنند (که هدف اصلی تحقیق نیز دستیابی به تفسیرها و درک خود کودک-زنان از علل ازدواجشان بود)، اما جهت دستیابی به علل اصلی ازدواج زودهنگامشان باید به سراغ والدینشان رفت و از آنها پرسید که چرا دخترانتان را زود شوهر داده‌اند.

یافته‌های به دست آمده نشان داد که صرفاً یک عامل و یک بعد پاسخگوی عوامل زمینه‌ساز ازدواج کودک-دختران نیست، بلکه مجموعه‌ای از عوامل است که در وقوع پدیده مزبور دخیل‌اند. یکی از آنها زمینه‌های خانوادگی است. کودک-دخترانی که در خانواده‌های ترمیمی (حضور نامادری) و خانواده‌های از هم گسیخته (عدم حضور پدر به دلیل فوت، طلاق یا ازدواج مجدد) زندگی می‌کردند و پدر یا برادرانشان سابقه کیفری، همچون زندان و اعتیاد، داشتند احتمال بیشتری برای ازدواج در دوران کودکی دارند. اعتیاد والدین و وجود والد ناتنی از جمله مقوله‌هایی است که در تحقیقات هاوکینز و همکاران (۱۹۹۲) و ایمان‌زاده و علیپور (۱۳۹۵: ۳۱) بدان اشاره شده است. علاوه بر این، فشار روانی شدید از سوی خانواده و رهایی از اعمال محدودیت‌های خانواده پدری را نیز باید از زیرمقوله‌های زمینه‌های خانوادگی برشمرد که در تحقیقات گذشته از آن سخنی به میان نیامده است. درواقع، زمینه خانوادگی نامساعد واقعیتی ناخوشایند است که در کودک-دختران حس «گریز»^۱ به وجود می‌آورد. درواقع، آنچه در «گریز» رخ می‌دهد؛ استقبال خودخواسته فرد از نوعی فرار است تا شاید به این طریق بتواند نه تنها ساعت‌ها یا روزها بلکه به شکلی همیشگی خود را از نظر جسمی و ذهنی از واقعیت‌های ناخوشایند زندگی در خانه پدری دور نگه دارد. افراد مختلف گریزگاه‌های خود را می‌جویند. اما در یک فرهنگ مردسالارانه با تسلط باورهای مذهبی و سنتی،

گریزگاه کودک-دختران ازدواج است. در هر صورت این کودک-دختران «قربانی» هستند و می‌توان از آنها به‌عنوان «قربانیان گریز» صحبت کرد، چراکه آنها برای تغییر یا بهبود اوضاع و شرایط و زمینه‌های نامساعد خانوادگی و اجتماعی تلاشی نمی‌کنند و از موقعیت بد می‌گریزند و به شکلی دیگر، قربانی همین گریختن می‌شوند.

مقوله دیگر اثرگذار بر ازدواج دختران در دوران کودکی، زمینه‌های اجتماعی بوده است که در ارزش‌ها و نگرش‌های اجتماعی قابل ردگیری است. بافت اجتماعی جامعه مورد مطالعه، که بخشی از آن متأثر از فرهنگ مسلط جامعه ایرانی است، ازدواج را امری مهم و غیرقابل اجتناب برای اعضای جامعه می‌نماید، به‌نحوی که چشم‌اندازی دیگری برای زندگی دخترکان متصور نیست. ازدواج آن هم به شکلی «زود» و «خیلی زود» در بستر فرهنگی و اجتماعی فوق‌امری نابهنجار و نادرست تلقی نمی‌شود و برخلاف دیدگاه‌های حقوقی و قانونی بین‌المللی «جرم» نیز به حساب نمی‌آید. نتایج تحقیق هم‌راستا با مطالعات پیشین خارجی و داخلی نیز هست که بر اثرگذاری نگرش‌های مردم (ارولکار، ۲۰۱۴: ۲۳؛ شفیت و همکاران، ۲۰۱۹: ۱۰۵-۹۳) و هنجارهای اجتماعی (کنی و همکاران، ۲۰۱۹: ۱۱۱-۱۰۱؛ شولتز و همکاران، ۲۰۱۸: ۲۴۹؛ ویتلا و همکاران، ۲۰۱۷؛ کیسلی و همکاران، ۲۰۱۷؛ کیسلی و همکاران، ۲۰۱۹: ۱؛ ونگ و سینگال، ۲۰۱۷؛ بومن و همکاران، ۲۰۱۷؛ احمدی، ۱۳۹۶: ۵۴) تأکید کرده‌اند. علاوه‌براین، زمینه‌های فرهنگی خانواده‌ها را در شرایطی قرار می‌دهد که برای حفظ آبروی خود و کودک-دختر آنها را سریع وارد زندگی زناشویی نمایند تا روابط پیش از ازدواج را تجربه نکرده و در نتیجه بکارتشان حفظ شود. مقوله‌ای که از سوی بسیاری از محققین، از جمله ماتور و همکاران (۲۰۰۳)، مقدادی و جوادپور (۱۳۹۶)، لطفی (۱۳۸۹) و مظفریان (۱۳۹۵) نیز مورد تأکید و تأیید قرار گرفته است. البته تسلط دیدگاه‌های مردسالارانه را نیز نباید از نظر دور داشت که در این مطالعه از سوی مشارکت‌کنندگان اظهار شد.

تأثر ازدواج دختران در دوران کودکی، از باورها و مبانی اعتقادی مذهبی مردم منطقه نیز غیرقابل چشم‌پوشی است. هرچند که کودک-زنان به باورهای مذهبی تشویق‌کننده ازدواج در سنین پایین با دیده تردید می‌نگرند. یافته مزبور با نتایج تحقیق شفیت و همکاران (۲۰۱۹)، گریجس و هوری (۲۰۱۸)، کرمیشل (۲۰۱۱)، آقاجانیان و مهریار (۱۹۹۹) امانی (۱۳۸۰) و احمدی (۱۳۹۶) هم‌راستاست. هرچند که پاپلی یزدی (۱۳۷۱) این امر را برخاسته از ذات مذهب اسلامی ندانسته و آن را نشئت گرفته از تفسیرهای آدمیان از دین می‌داند.

شرایط اقتصادی نامطلوب که در تحقیقات پیشین نیز بدان -در قالب فقر یا محرومیت اقتصادی- اشاره شد (ماتور و همکاران، ۲۰۰۳؛ پائول، ۲۰۱۹؛ هاتچکس و همکاران، ۲۰۱۶؛ حسین و همکاران، ۲۰۱۶؛ شفیت و همکاران، ۲۰۱۹؛ کنی و همکاران، ۲۰۱۹؛ مقدادی و جوادپور، ۱۳۹۲؛ لطفی، ۱۳۸۹؛

ایمان‌زاده و علیپور، ۱۳۹۵؛ مظفریان، ۱۳۹۵)، نیز از سوی کودک-زنان بیان شد. اما نکته جلب توجه این است که براساس گفته‌های مشارکت‌کنندگان شرایط بالعکس نیز در وقوع این وضعیت صادق است. امری که در مطالعات پیشین بدان اشاره نشده است. به عبارت دقیق‌تر، اگر کودک-دختری از خانواده‌ای باشد که از پایگاه اقتصادی نسبتاً بالایی برخوردار است، احتمال ازدواج زودهنگام وی وجود دارد. البته در یک بافت اجتماعی، که از سطح توسعه اقتصادی بالایی برخوردار نباشد، یقیناً خانواده‌هایی که شرایط بهتر و برتری داشته باشد (معمولاً والدین دارای مشاغل دولتی)، بیشتر در معرض دیدگان همگان قرار دارند. از آنجایی که کودک-دختران در یک محدوده سنی و زمانی خاصی، خواستگاران را «جذب» می‌کنند، وقوع این پدیده دور از انتظار نیست. از دیگر زمینه‌های مؤثر، شرایط زیست محیطی منطقه و درگیری چندین ساله آن با پدیده خشکسالی و ویژگی‌های فردی (خواستگار و کودک-دختر) بود که در مطالعات قبلی، بدان اشاره نشده است.

با توجه به یافته‌ها و نتایج به دست آمده در مطالعه پیش‌رو، به نظر می‌رسد که افزایش آموزش و آگاهی برای ریشه‌کن کردن سنتی که در آن ازدواج کودک-دختران به عنوان بخشی از فرهنگشان محسوب می‌شود، امری ضروری است. چنین آموزشی می‌بایست هم در سطح خانواده کودک-دختر افزایش یابد که به این باور برسند که دخترانشان «هنوز برای ورود به زندگی زناشویی کوچک هستند» و هم در سطح خانواده خواستگار که به این عقیده دست یازند که «دختری که از وی خواستگاری می‌کند حداقل باید شرایط سنی لازم جهت ورود به دنیای پرمسئولیت بزرگسالی را داشته باشد». این آگاهی می‌تواند از طریق تربیون‌های رسمی مانند صدا و سیما و همچنین نهادها و سازمان‌های مدنی و مردم‌نهاد انتقال یابد. هرچند فرایند آگاهی‌بخشی و تغییر باورها و فرهنگ امری زمان‌بر است. همان‌گونه که وقوع و شیوع آن در سطح فرهنگی- اجتماعی جامعه به زمانه دور برمی‌گردد، ریشه‌کن نمودن آن صرف زمان بیشتر را می‌طلبد. علاوه بر آموزش‌هایی که باید جهت تغییر هنجارها و ارزش‌ها صورت پذیرد، باید اقداماتی نیز در جهت ریشه‌کن نمودن یا کاهش فقر اقتصادی در منطقه صورت پذیرد. از آنجایی که منطقه مورد مطالعه درگیر پدیده خشکسالی است و به مانند گذشته از کشاورزی پررونقی برخوردار نیست، برنامه‌ریزان و سیاستگذاران باید جایگزین‌هایی را برای اشتغال کشاورزی مانند اشتغال در بخش صنعت و معدن به کار بگیرند تا از حجم بیکاران یا مهاجرت در اثر بیکاری کاسته شود. مضاف بر اینکه نباید از اثرگذاری قوانین متقن در زمینه کاهش ازدواج در دوران کودکی، غفلت ورزید. با توجه به اینکه در قوانین مصوب کشور، حداقل سن ازدواج بسیار پایین در نظر گرفته شده است، نیازمندی و ضرورت تغییر سن ازدواج، به‌ویژه در میان دختران، بیش از پیش احساس می‌گردد. امری که تاکنون علی‌رغم تلاش‌های بسیار، به‌ویژه از سوی فعالین حقوق زنان و کودکان، محقق نشده است.

منابع

- 0 احمدی، کامیل (۱۳۹۶). *طنین سکوت: پژوهشی جامع در باب ازدواج زودهنگام در ایران*. تهران: نشر شیرازه.
- 0 امانی، مهدی (۱۳۸۰). نگاهی به چهل سال تحول جمعیت‌شناختی ازدواج در ایران (از ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵). *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۱۷: ۴۶-۳۳.
- 0 ایمان‌زاده، علی؛ علیپور، سریه (۱۳۹۵). تجربه زیسته زنان مرند از مشکلات ازدواج زودهنگام. *فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ*، سال هشتم، شماره ۳۰: ۴۶-۳۱.
- 0 بهنام، جمشید؛ راسخ، شاپور (۱۳۴۸). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی ایران*. تهران: خوارزمی.
- 0 پاپلی یزدی، محمدحسین (۱۳۷۱). ازدواج زودرس یا ...؟. *فصلنامه تحقیقات جغرافیائی*، سال هفتم، شماره ۱، پیاپی ۲۴، بهار ۱۳۷۱: ۹۴-۸۱.
- 0 تاج السلطنه (۱۳۶۱). *خاطرات تاج السلطنه* (دختر ناصرالدین شاه)، به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی)، سیروس سعدوندیان. تهران: نشر تاریخ ایران.
- 0 عباسی شوازی، محمدجلال؛ عسکری ندوشن، عباس (۱۳۸۴). تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران مطالعه موردی استان یزد. *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۵: ۷۵-۲۵.
- 0 کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۳). تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن. *پژوهش زنان*، دوره ۲، شماره ۳: ۱۲۴-۱۰۳.
- 0 لطفی، راضیه (۱۳۸۹). پیامدهای سلامتی ازدواج زودرس در زنان. *فصلنامه زن و بهداشت*، شماره ۲: ۷۹-۶۷.
- 0 محمدپور، احمد (۱۳۹۲). *روش تحقیق کیفی ضد روش*. ۲. تهران: جامعه‌شناسان.
- 0 مقدادی، محمدمهدی؛ جوادپور، مریم (۱۳۹۶). تأثیر ازدواج زودهنگام بر سلامت جنسی کودکان و سازوکارهای مقابله با آن. *فصلنامه حقوق پزشکی*، سال یازدهم، شماره چهارم: ۶۰-۳۲.
- 0 Aghajanian, A. and Mehryar, A. H. (1999). fertility contraceptive use and family planning program activity in the Islamic republic of Iran, 1976- 1996, International Family planning Perspective.
- 0 Auradkar, J.B. (2013). child marriage in India: an overview, Review of Research, Publish in OALib Journal.
- 0 Bhan, N.; Gautsch, L.; McDougal, L.; Lapsansky, Ch.; Obregon, R.; Raj,A. (2019). Effects of Parent-Child Relationships on Child Marriage of Girls in Ethiopia, India, Peru, and Vietnam: Evidence From a Prospective Cohort. *Journal of Adolescent Health*, Volume 65, Issue 4: 498-506.
- 0 Blood, JR. R (1962). *Marriage*. New York: the free press of Glencoe.
- 0 Bouman, M., Lubjuhn, S., & Hollemans, H. (2017). *Entertainment-education and child marriage a scoping study for girls not brides: The global partnership to end child marriage*. London: Girls Not Brides.
- 0 Carmichael, S. (2011). Marriage and Power: Age at First Marriages in Spousal Age Gap in Lesser Developed Countries. *History of the Family*, Vol. 16. No. 21:416-436.

- 0 Cislighi, B., & Bhattacharjee, P. (2017). Honour and prestige: The influence of social norms on violence against women and girls in Karnatak, South India. Retrieved from http://strive.lshtm.ac.uk/system/files/attachments/STRIVE_Honour20and20Prestige%20paper.pdf
- 0 Cislighi, B.; Nkwi, P.; Mackie, G.; Shakya, H. (2019). Why context matters for social norms interventions: The case of child marriage in Cameroon, Global Public Health. an International Journal for Research, Policy and Practice, p. 1-12, DOI: 10.1080/17441692.2019.1704818.
- 0 Grijns, M.; Horii, H. (2018). Child Marriage in a Village in West Java (Indonesia): Compromises between Legal Obligations and Religious Concerns. *Asian Journal of Law and Society*, 5 (2018): 453-466.
- 0 Hawkins, J. D., Catalano, R. F., & Miller, J. Y. (1992). Risk and protective factors for alcohol and other drug problems in adolescence and early adulthood: implications for substance abuse prevention. *Psychological bulletin*, 112(1), 64.
- 0 Hossain, Md. Golam, M.; Rashidul A. and Saw, A. (2016). Prevalence of child marriage among Bangladeshi women and trend of change over time. *Journal of Biosocial Science*, V 48, Issue 4: 530-538.
- 0 Jensen, R., & Thornton, R. (2003). Early female marriage in the developing world. *Gender & Development*, 11(2): 9-19.
- 0 Kenny, L.; Koshin, H.; Sulaiman, M.; Cislighi, B. (2019). Adolescent-led marriage in Somaliland and Puntland: A surprising interaction of agency and social norms. *Journal of Adolescence*, V 72: 101-111.
- 0 Koski, A., Clark, S., & Nandi, A. (2017). Has child marriage declined in sub-Saharan Africa? An analysis of trends in 31 countries. *Population and Development Review*, 43(1), 7-29.
- 0 Kumala D., Luh P. R.; Dartanto, T. (2018). Natural disasters and girls vulnerability: is child marriage a coping strategy of economic shocks in Indonesia?. *Journal Vulnerable Children and Youth Studies*, An International Interdisciplinary Journal for Research, Policy and Care, Volume 14, Issue 1, P. 24-35.
- 0 Lane, S. (2011), Stealing innocence: Child marriage and gender inequality in Pakistan, Plan Finland. 2011 [cited 2011 December 28]; Available from: <http://www.plan.fi/File/197245fc-8b02-4abe886854cd5e6a5497/Stealing+Innocence.+Child+Marriage+in+Pakistan+%28Plan+2011%29.pdf>.
- 0 Mathur, S.; Margaret E. G.; and Malhotra, A. (2003). Too young to wed: The lives, rights, and health of young married girls, Washington, DC: International Center for Research on Women (ICRW).
- 0 Mensch, BS; Singh, S.; Casterline JB. (2005). Trends in the timing of first marriage among men and women in the developing world. In: Lloyd CB, Behrman JR, Stromquist NP, Cohen B, editors. The changing transition to adulthood in developing countries: Selected studies. Washington, D.C.: The National Academies Press; 2006: 118-71.
- 0 Oppenheimer, V. K. (1988). A Theory of Marriage Timing. *The American Journal of Sociology*, V 94, No. 3: 563-591.

- 0 Rasmussen, B.; Maharaj, N.; Sheehan, P.; Friedman, H. S. (2019). Evaluating the Employment Benefits of Education and Targeted Interventions to Reduce Child Marriage. *Journal of Adolescent Health*, V 65, Issue 1, Supplement: 16-24.
- 0 Schaffnit, Susan B.; Hassan, Anushé; Urassa, Mark; Lawson, David W. (2019). Parent-offspring conflict unlikely to explain 'child marriage' in northwestern Tanzania. *Nature Human Behavior*, V 3: 346-353.
- 0 Schaffnit, S. B.; Urassa, M.; Lawsonm, D. W. (2019). Child marriage" in context: exploring local attitudes towards early marriage in rural Tanzania. *Sexual and Reproductive Health Matters*, 27(1): 93-105, DOI: 10.1080/09688080.2019.1571304.
- 0 Schultz, P. W.; Nolan, J. M.; Cialdini, R. B.; Goldstein, N. J. & Griskevicius, V. (2018). The constructive, destructive, and reconstructive power of social norms: Reprise. *Perspectives on Psychological Science*, 13(2), 249-254.
- 0 Shanta, p. (2017). paesistent nature of child marriage among women even it is illegal: the case of Nepal. www.sciencedirect.com
- 0 Sunder, N. (2019). Marriage Age, Social Status, and Intergenerational Effects in Uganda, *Demography*, V 56, p.2123-2146.
- 0 Taylor, A.; Horn, J. V.; Vaitla, B.; Valle, A. D. & Cislighi, B. (2019). Adolescent girls' agency, social norms and child marriage. *Journal of Adolescent Health*, 64(Suppl. 4), S45-S51.
- 0 Tenkorang, E. Y. (2019). Explaining the links between child marriage and intimate partner violence: Evidence from Ghana. *Child Abuse & Neglect*. V89: 48-57.
- 0 UNICEF.(2005). Early Marriage: A Harmful Traditional Practice. A Statistical Exploration. New York: Strategic Information Section, Division of Policy and Planning, United Nations Children's Fund (UNICEF).
- 0 Vaitla, B., Taylor, A., Horn, J. V., & Cislighi, B. (2017). *Social norms and girls' well-being*. New York, NY: United Nations Foundation.
- 0 Walker, J-A (2012). Early Marriage in Africa – Trends, Harmful Effects and Interventions. *African Journal of Reproductive Health June 2012 (Special Edition)*, 16(2): 231-240.
- 0 Wang, H., & Singhal, A. (2017). Unfurling the voicebook of Main Kuch Bhi Kar Sakti Hoon: Real-time audience engagement, rising fandom, and spurring of prosocial actions. New Delhi: Population Foundation of India.